



## The Critical Reappraisal of Economic Transparency and Corruption in Iran with Emphasis on Surveillance, Media and Civil Mechanism

Khalil Sardarnia\*

Professor, Department of Political sciences,  
Shiraz University

### Abstract

Corruption in its various forms, like a destructive cancer for political, social, economic and moral order, is the greatest challenge to legitimacy and the main factor in the decline and lack of political and moral health of governments. In this article, using a qualitative method of an analytical-explanatory causal finding from a political sociological perspective, focusing on the model of good versus bad governance (at two levels of government structure and civil and media activists) and citing statistical and non-statistical evidence, an attempt has been made to answer two basic questions: What are the most important factors affecting the continuation of economic corruption in Iran since the 1990s and its political consequences? The research hypothesis is that the most important roots or causes of the institutionalization of economic corruption are: a politicized, inefficient and non-independent bureaucracy, low institutional quality and regulations, independent and politicized supervisory mechanisms, media restrictions, lack of freedom of expression and information with information rents, lack of serious supervisory and functional independence in civil society, and continued government ownership of the economy. The research findings confirm all components of the research hypothesis, namely the relative institutionalization of economic corruption in Iran at the level of government and non-government agents. The institutionalization of economic corruption has led to crises of functional-political acceptability since the 1990s. In most social, political, and union street protests since the second half of the 2010s, the issue of economic corruption has become an important factor for protesting and demanding transparency and justice.

**Keywords:** Iran, Economic corruption, Supervisory, Media, Civil mechanisms

Received: 18/April/2025

Accepted: 03/September/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

\* Corresponding Author: kh\_sardarnia@yahoo.com

## واکاوی انتقادی مسئله‌ی فساد و شفافیت اقتصادی در ایران با تمرکز بر سازوکارهای نظارتی، رسانه‌ای و مدنی

خلیل‌اله سردارنیا\* | استاد علوم سیاسی دانشگاه شیراز

### چکیده

فساد در اشکال گوناگون در حکم سرطان ویرانگر برای نظم سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی، بزرگترین چالش مشروعیتی و عامل اصلی افول و عدم سلامت سیاسی و اخلاقی حکومت‌ها است. در این نوشتار با روش کیفی از نوع تحلیلی - تبیینی علت‌یابانه از منظر جامعه‌شناختی سیاسی با محوریت مدل حکمرانی خوب در مقابل بد (در دو سطح ساختار حکومتی و کنشگران مدنی و رسانه‌ای) همراه با استناد به شواهد آماری و غیر آماری، تلاش شده است به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود: مهمترین عوامل تأثیرگذار بر استمرار فساد اقتصادی در ایران از دهه‌ی ۱۳۷۰ به این سو و پیامدهای سیاسی آن چه چیزهایی بوده‌اند؟ فرضیه‌ی پژوهش این است که مهمترین ریشه‌ها یا علل نهادینه‌شدن فساد اقتصادی عبارتند از: پروروکراسی سیاست‌زده، کم کارآمد و نامستقل، کیفیت پایین نهادی و مقررات، سازوکارهای نظارتی نامستقل و سیاست‌زده، محدودیت‌های رسانه‌ای، عدم آزادی بیان و اطلاعات با رانت‌های اطلاعاتی، عدم استقلال جدی نظارتی و عملکردی در جامعه‌ی مدنی و استمرار تصدی‌گری دولت در اقتصاد. یافته‌های تحقیق حاکی از تأیید همه‌ی اجزای فرضیه‌ی پژوهش یعنی نهادینه‌شدگی نسبی فساد اقتصادی در ایران در سطح کارگزاران حکومتی و غیرحکومتی هستند. نهادینه‌شدن فساد اقتصادی از دهه‌ی ۱۳۷۰ به این سو منجر به بحران‌های مقبولیت عملکردی - سیاسی شده است. در بیشتر اعتراض‌های اجتماعی، سیاسی و صنفی خیابانی از نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۹۰ به این سو، مسئله‌ی فساد اقتصادی به یک عامل مهم برای اعتراض و مطالبه‌گری برای شفافیت و عدالت تبدیل شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ایران، فساد اقتصادی، سازوکارهای نظارتی، رسانه‌ای و مدنی

## مقدمه

شفافیت به مثابه‌ی یکی از مهمترین آزمون و معیارها برای سلامت نظام سیاسی و فرهنگی و از مهمترین مؤلفه‌های «حکمرانی خوب» است. یکی از مهمترین مسئله‌ها در پژوهش‌های علوم اجتماعی و سیاسی، نوع ذهنیت و برداشت راجع به فساد است؛ این که آیا آن در روند توسعه‌ی اقتصادی یک کشور، گریزناپذیر و تسهیل‌کننده‌ی روند توسعه و تا حدودی قابل اغماض است یا این که در هر شکل و قالب، موضوعی کاملاً نکوهیده و اجتناب‌پذیر است؟ گاهی از فساد به مثابه‌ی «روغن زدن به چرخ‌های اقتصاد» و سرعت‌بخش در روند توسعه‌ی اقتصادی یاد کرده‌اند. (UNODC, ۲۰۲۱). اما، بیشتر پژوهشگران از آن به‌عنوان سرطان ویرانگر برای سلامت جامعه و نظام سیاسی و عامل بازدارنده‌ی توسعه اقتصادی یاد کرده‌اند. (۱) Amundsen, ۱۹۹۹)

در ایران پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله با عراق به این سو، برخی ذهنیت‌های متناقض وجود داشته است: طیفی بر ضرورت رشد و توسعه‌ی اقتصادی به مثابه‌ی پیش‌شرط و بستر ساز برای عدالت اجتماعی در آینده نظر داده اند، اما برخی از طیف‌ها با این رویکرد به دلیل افزایش شکاف طبقاتی و نارضایتی لایه‌های پایین و میانی جامعه به شدت در تقابل بودند. همین رویکردهای متناقض، سبب‌ساز تقابل‌های سیاسی و جناحی در ارتباط با مبارزه با فساد اقتصادی و نهادینه‌شدن نسبی و رو به رشد فساد اقتصادی در ایران شده است؛ بنابراین، ادعاها در مورد سلامت حکمرانی و رقابت سیاسی در ایران را با تردیدهای جدی مواجه کرده است. با یک رویکرد سیستمی می‌توان گفت که نهادینه شدگی نسبی فساد اقتصادی محصول و معلول ساختار حکومتی و نیز کژکارکردی‌ها یا برخی ناکارکردی‌های نظارتی و رفتاری کنشگران مدنی-سیاسی بوده‌اند.

در این نوشتار با روش کیفی از نوع تحلیلی-تبیینی علت‌یابانه از منظر جامعه‌شناختی سیاسی با محوریت مدل حکمرانی خوب در مقابل بد (در دو سطح ساختارحکومتی و کنشگران مدنی و رسانه‌ای) همراه با استناد به شواهد آماری و غیرآماری، تلاش شده است به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود: مهمترین عوامل تأثیرگذار بر استمرار فساد اقتصادی در ایران از دهه‌ی ۱۳۷۰ به این سو و پیامدهای سیاسی آن چه چیزهایی بوده‌اند؟

بدین ترتیب، مهمترین متغیرهای مستقل یا تبیین‌کننده‌ی فساد اقتصادی در این پژوهش عبارتند از: برووکراسی سیاست‌زده، کم کارآمد و نامستقل، کیفیت پایین نهادی و مقررات، سازوکارهای نظارتی نامستقل و سیاست‌زده، محدودیت‌های رسانه‌ای، عدم آزادی بیان و اطلاعات با رانت‌های اطلاعاتی، عدم استقلال جدی نظارتی و عملکردی در جامعه‌ی مدنی و استمرار تصدی‌گری دولت در اقتصاد. بروز و نهادینه‌شدگی فساد اقتصادی و پیامدهای سیاسی آن نیز به‌عنوان متغیرهای وابسته هستند.

## ۱. پیشینه و ضرورت انجام پژوهش

محمودی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود به زبان انگلیسی (۲۰۱۸) با عنوان «گسترش فساد در رژیم‌های تحریم‌ها: مورد ایران» به این یافته‌ی کلی می‌رسد که تحریم‌ها در ایران سبب‌ساز فساد اقتصادی در اشکال قاچاق، دور زدن تحریم‌ها، رقابت‌های فساد و اختلاس شده است و راه حل را در سیاست خارجی عملی و تنش‌زدایی به‌عنوان مکمل مهم برای توسعه‌ی اقتصادی می‌داند. یافته‌های مطالعه‌ی عزتی و همکاران (۱۳۹۵) در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۰-۱۳۵۸ با روش خودتوضیحی نشان داد که افزایش و نوسانات قیمت نفت در حد ۲۹ درصد در فساد اقتصادی در ایران تأثیرگذار بوده است. مطالعه‌ی همایونی‌فر و توتونچی (۱۳۹۹) در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۸-۱۳۷۵ با روش Panel Var نشان می‌دهد که افزایش نابرابری در توزیع درآمدها بر تشدید فساد در کشورهای تولیدکننده‌ی نفتی با درآمد سرانه‌ی پایین مؤثر بوده است. یافته‌ی مطالعه‌ی عزتی به زبان انگلیسی (۲۰۱۷) حاکی از تأثیر منفی فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی، کاهش

تولید، کاهش درآمدها، افزایش نابرابری‌ها و کاهش قابل توجه در تأمین اجتماعی اقشار جامعه داشته است. مطالعه‌ی وفایی یگانه (۱۳۸۹) با روش دلفی حاکی از افزایش فساد و کاهش هزینه‌ی سیاسی عمل فساد به تأثیر از عدم افشاگری جدی توسط روزنامه‌ها و مطبوعات، کیفیت قوانین، ضریب جینی و اقتصاد زیرزمینی بر مسئله‌ی فساد اداری در ایران تا دهه‌ی ۱۳۸۰ بوده است. در مطالعه‌ی دادگر و نظری به زبان انگلیسی (۲۰۱۸) در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۶-۱۳۵۹ با روش تحلیل ثانویه‌ی داده‌ها با داده‌های مراکز آماری معتبر داخلی و خارجی به این یافته رسیده‌اند که ساختار عمومی ناپاسخ‌گو در ایران سبب-ساز فساد شده است و راه حل را در اصلاح ساختارهای عمومی و مدیریت عمومی دانسته‌اند. مطالعه‌ی قدیمی و همکاران (۱۳۹۹) در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۶-۱۳۵۷ با روش رگرسیون غیرخطی حاکی از این است که نقض استقلال بانک مرکزی بر بی ثباتی سیاست‌های پولی، تورم و در نهایت افزایش نابرابری و تمایلات فساد اداری و اقتصادی در کارگزاران حکومتی تأثیرگذار بوده است. از آن‌جا که بخش عمده‌ای از پژوهش‌ها مربوط به بازه‌ی زمانی پیش از دهه‌ی ۱۳۹۰ بوده‌اند، تقریباً هیچ مقاله‌ای با دارا بودن همه‌ی متغیرهای چندگانه‌ی تبیین‌کننده‌ی فساد اقتصادی در ایران (مورد بحث در این نوشتار) با محوریت مدل نظری حکمرانی خوب در مقابل بد با شاخ یا مؤلفه‌های چندگانه‌ی مرتبط با این مدل و نیز ترکیب دو سطح ناکارکردی حکومت و جامعه‌ی مدنی انجام نشده است، به‌ویژه این که در هیچ اثری به شکل مستقل به پیامدهای سیاسی یا بازتاب فساد اقتصادی و اقتصادی در اعراض‌های کنونی آن در ایران یافت نشد. بنابراین، انجام این پژوهش ضرورت یافت.

## ۲. بنیان مفهومی و نظری پژوهش از منظر شاخص‌های حکمرانی خوب و بد

اساساً قدرت سیاسی به تمایلات و وسوسه برای سوءاستفاده از آن می‌انجامد. «فساد» به معنی سرپیچی مدیران و صاحب منصبان حکومتی از قوانین برای کسب منافع شخصی است. (Treisman, ۲۰۰۰: ۳۱۹۰) این تعریف از فساد، تمام سطوح آن همچون فساد سیاسی، اداری و اقتصادی را در بر می‌گیرد. فساد به معنی کسب سود نامشروع و غیرقانونی با دستبرد به نافع و اموال عمومی و تحمیل هزینه‌ها به مردم است. (Mlambo & et.al, ۲۰۱۹: ۴۰) (Fatile, ۲۰۱۲: ۴) (آزیز یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از فساد ارائه داده است: ۱. «فساد کوچک» (خرده فساد) در حجم و مبالغ کم توسط افراد رده پایین حکومتی و اجرایی، ۲. «فساد بزرگ یا کلان» توسط مقامات و بوروکرات‌های مهم با مبالغ و حجم بالا، ۳. «غارت‌گری یا یغما» با حجم بسیار بالای پول‌شویی در ارتباط با دارایی‌های عمومی. (Mlambo & et.al, ۲۰۱۹: ۴۰)

دیرینه‌ی «حکمرانی خوب» در «مقابل حکمرانی بد» به اندیشه‌ی ارسطو با دو معیار قانونمندی/ رابطه محوری و مصالح عمومی/ خصوصی و گروهی برمی‌گردد. دو تلقی از این مفهوم وجود دارد: تلقی نخست، از نوع «جوهری-اصولی» با مؤلفه‌هایی همچون قانونمندی، فسادناپذیری، پاسخگویی، نظارت-پذیری، شفافیت اقتصادی و عدالت‌گرایی است و تلقی دوم، به مثابه‌ی «مشی حکمرانی» در شکل ارتباط دوسویه بین حکومت، مردم و نهادهای مدنی است. در کشورهای توسعه‌نیافته‌ی سیاسی، فساد از نوع «ساختاری و سیستمی» است؛ پدیده‌ای که به‌شدت در جامعه و فرهنگ عمومی جامعه نهادینه شده است. بر طبق آمار خانه‌ی آزادی (۲۰۲۰)، کمترین میزان فساد در کشورهای با دموکراسی‌های نهادینه‌شده یا پیشرفته و بیشترین فساد در کشورهای با نظام‌های اقتدارگرا یا نیمه دموکراتیک بوده است. (Amuddsen, ۲۰۱۷)

در نگاه «رویه‌ای به حکمرانی خوب» و امروزه در نظریه‌های جدیدتر همچون «حکمرانی شبکه‌ای»، جامعه‌ی مدنی به‌عنوان مهمترین بازیگر همراه و مکمل با حکومت در امر حکمرانی خوب تلقی و برداشت شده است. جامعه‌ی مدنی با کارویژه‌هایی همچون ارائه‌ی دانش و نظریه‌های تخصصی، آموزش مدنی و شهروندی، مطالبه‌گری برای شفافیت،

عدالت و پاسخ‌گویی، چالش‌گری و نظارت‌پذیر سازی در سطوح حکومتی، بخش خصوصی، فعالان و نهادهای مدنی و شهروندان می‌تواند به مثابه‌ی دیده‌بان نظارتی و چالشگر و زبان جامعه‌ی عدالت‌خواه برای جلوگیری از انواع فسادهای مالی - اقتصادی، اداری، سیاسی و اخلاقی عمل کند. یکی از مباحث نظری مهم، نظریه‌ی «جامعه مدنی» در مقابل «جامعه سیاسی یا شبه‌مدنی» با محوریت نظریه‌پردازانی همچون گوردن وایت است. گوردن وایت، جامعه‌ی سیاسی را عرصه‌ی رقابت برای کسب قدرت سیاسی به‌عنوان هدف مستقیم تعریف می‌کند. در مقابل، جامعه‌ی مدنی را عرصه‌ی اخلاق، قانونمندی و فضایل اجتماعی، حوزه‌ی آزادی و استقلال در مقابل سرکوب، حوزه‌ی کثرت‌گرایی در مقابل یک‌دستی، حوزه‌ی خودانگیختگی در مقابل دست‌کاری و حوزه‌ی پاکی و خلوص در مقابل فساد می‌داند. (White, ۲۰۰۴: ۱۲)

به باور برخی از نظریه‌پردازان، تعدادی از اجزای جامعه‌ی مدنی یا جامعه‌ی سیاسی مانند احزاب در منطقه‌ی خاکستری بین دولت و انجمن‌های مدنی هستند. در این ارتباط دو تقسیم‌بندی وجود دارد: در یک اردوگاه، جامعه‌ی سیاسی به‌عنوان جزء اصلی جامعه‌ی مدنی محسوب می‌شود؛ مشروط بر آن‌که هدف اصلی آن کسب قدرت سیاسی برای خود آن نهاد مدنی نباشد، بلکه مشارکت در فرایندها و پویای سیاسی - اجتماعی به منظور تأثیر بر سیاست و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سیاستی برای نهادهای ساز اصول و ارزش‌های مدنی همچون قانونمندی، پاسخگویی و شفافیت و مانند آن است. در اردوگاه دیگر، جامعه‌ی سیاسی در اشاره به آلوده شدن نهادهای مدنی به قدرت‌طلبی و تأثیر فاسدکنندگی بر سیاست، حکمرانی و مناسبات اجتماعی و اقتصادی به کار می‌رود. (Edwards, ۲۰۰۴: ۲۶)

رسانه‌ها و نشریات می‌توانند به مثابه‌ی زبان نیروهای اجتماعی، نهادها و جامعه‌ی مدنی و جنبش‌های اجتماعی و به‌طور کلی، در حکم زبان مردم و شهروندان برای عدالت، شفافیت و قانونمندی عمل کنند. در جوامع دموکراتیک، جامعه‌ی مدنی نیرومند همراه با رسانه‌های قوی با گردش آزاد اطلاعات به -خاطر افشاگری و بی‌اعتبار سازی عوامل فساد، به مثابه‌ی مانع و عاملیت مهمی در جلوگیری از گسترش فساد مالی و اقتصادی عمل می‌کنند؛ بنابراین، فساد در جوامع دموکراتیک توسعه‌یافته، جنبه‌ی غیرفراگیر و غیرسیستمی دارد. (Jain, ۲۰۰۲: ۲۷) سازمان شفافیت بین‌المللی از رسانه‌های آزاد و مستقل به -عنوان ستون حیاتی در حکمرانی خوب با مطالبه‌گری برای شفافیت و افشاگری نسبت به عاملان فساد یاد می‌کند. (Enste, ۲۰۱۷: ۱۶) دسترسی به اطلاعات به‌صورت شفاف و به دور از «رانت اطلاعاتی» در جلوگیری از نهادینه‌شدن حکمرانی بد و فساد از اهمیت بالایی برخوردار است.

یکی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب در ریشه‌یابی میزان شفافیت و فساد، متغیر نهادی و نظارتی است؛ هر اندازه کیفیت عملکرد نهادی با نظارت و ضمانت اجرایی بالا باشد، سطح شفافیت اقتصادی و ضابطه -محوری بالا خواهد بود. (Enste, ۲۰۱۷: ۸) در دیدگاه بانک جهانی، فساد اقتصادی ریشه در بحران‌ها یا کژکارکردی‌های نهادی همچون سیستم نظارتی رنجور، بازار ضعیف و تبعیض‌ها دارد. (Broadman & Recanititi, ۲۰۰۲: ۳۷) (Broadman, ۲۰۰۲: ۳۹) در نبود این سازوکارها و رواج قانون -شکنی در شکل فراگیر، فساد به شکل رایج و سیستمی درمی‌آید. (میرعباسی، ساعی و ازغندی، ۱۳۹۹: ۲۱۰)

بین نوع ساخت و مناسبات اقتصادی و فساد اقتصادی نیز ارتباط نزدیکی وجود دارد. فساد اقتصادی و رانت‌ها با تمرکزگرایی شدید و بوروکراسی فربه و ضعف سازوکارهای بازار آزاد ارتباط مستقیم دارد. عدم وجود آزادی و قاعده‌مندی به انحصار و فساد می‌انجامد، (Hutchcroft, ۱۹۹۷: ۶۶۴۰) چنانچه وجود سازوکارهای نظارتی قوی تأثیر مثبتی بر کاهش فساد اقتصادی دارد. نتیجه‌ی مطالعه‌گری در مورد ۱۵۰ کشور نشان داد که سطح بالای آزادی مالی، رقابت و ارتباط با سازمان‌های مالی و نظارتی بین‌المللی بر افزایش شفافیت و کاهش فساد اقتصادی تأثیر مثبت گذاشته است. (Enste & Heldman, ۲۰۱۷: ۱۵) (Warren, ۲۰۰۴: ۳۳۹) اقتصادهای رانتی به فربه‌ی وحشی‌تر شدن

بوروکراسی، انحصارات و فساد و رانت‌جویی اقتصادی منجر می‌شود. (Beblavi, ۱۹۸۷:۵۱) همچنین، به استقلال دولت از طبقات و جامعه، ناپاسخ‌گویی و رواج فساد و رانت‌جویی می‌انجامد. (Hajiyousefi, ۱۹۹۵: ۳۸) نتیجه‌ی مطالعه‌ی مؤسسه‌ی بروکینگ نشان می‌دهد که افزایش طول زمانی بررسی مجوزهای اقتصادی در کشورهای فقیر و توسعه-نیافته به فساد و دور زدن قانون می‌انجامد. (Brooking, ۲۰۱۶) سازمان ملل، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای جلوگیری از فساد بر لزوم نظارت بر روند اجرایی و اعطای کمک‌ها به روند توسعه در کشورهای فقیر و در حال توسعه تأکید می‌کنند. (Reinsberg & et.al, ۲۰۲۰: ۶۶۹)

برخی از مهم‌ترین پیامدهای حکمرانی بد با محوریت فساد عبارتند از: ۱. کاهش اعتماد به حکومت و بحران مشروعیت حکومت‌ها (Andvig, ۲۰۰۴: ۱)، ۲. افزایش ثروت‌اندوزی نامشروع با تحمیل آن بر هزینه‌های عمومی (Rose Ackerman, ۱۹۹۵)، ۳. گسترش نابرابری‌ها و تشدید نارضایتی و خشونت-طلبی در افراد و گروه‌های قومی، مذهبی، نژادی و اجتماعی محروم و برخوردار از تبعیض‌ها، ۴. عدم سرمایه‌گذاری تولیدی و توسعه‌ی اقتصادی قاعده‌مند (World Bank, ۲۰۲۱: ۱)، ۵. افزایش مطالبه‌گری و عدم تعامل بین جامعه‌ی مدنی و شهروندان با حکومت (UNODC, ۲۰۲۱: ۲) و ۶. گسترش جرم و جنایت و بی‌ثباتی‌های سیاسی-اجتماعی، شورش و تنش‌ها در صورت عدم تحقق نیازهای افراد و گروه‌های ضعیف جامعه. (Suleiman & Aminulkarim, ۲۰۱۵: ۴)

### ۳. تحلیل فساد اقتصادی در ایران از منظر شاخص‌های حکمرانی بد

فساد، پدیده‌ای است که هیچ کشوری از آن مصون نیست؛ دو سوم کشورها و نیمی از ۲۰ کشور صنعتی از فساد رنج می‌برند. فساد به شدت بر سلامت و اعتماد عمومی به نظام سیاسی ضربه می‌زند. (Ensteg & Heldman, ۲۰۱۷: ۴) در سال ۱۴۰۲ (۲۰۲۳)، ایران با امتیاز ۲۴ و رتبه‌ی ۱۴۹ در ردیف کشورهای با سطح بالای فساد اقتصادی اعلام شده است. (Transparency International, ۲۰۲۰: ۳) اکنون، فساد و عدم شفافیت به عنوان یکی از مهمترین نشانه‌های سوق یافتن قابل توجه به حکمرانی بد با انحراف نسبی منابع عمومی به سمت تکاثر ثروت و رانت‌جویی و افزایش سرسام‌آور و غیر قابل تحمل هزینه‌های عمومی برداشت شده است. (Azadi, ۲۰۲۰: ۱)

جدول ۱: نمره و رتبه‌ی ایران در شاخص ادراک فساد از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰

جدول ۱: نمره و رتبه‌ی ایران در شاخص ادراک فساد از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰

سال	نمره از ۱۰۰	رتبه جهانی	سال	نمره ادراک فساد	رتبه جهانی
۲۰۱۱	۲۷	۱۲۰	۲۰۱۸	۲۸	۱۳۸
۲۰۱۲	۲۸	۱۳۳	۲۰۱۹	۲۶	۱۴۶
۲۰۱۳	۲۵	۱۴۴	۲۰۲۰	۲۵	۱۴۹
۲۰۱۴	۲۷	۱۳۶	۲۰۲۱	۲۵	۱۵۰
۲۰۱۵	۲۷	۱۳۰	۲۰۲۲	۲۵	۱۴۷
۲۰۱۶	۲۹	۱۳۱	۲۰۲۳	۲۴	۱۴۹
۲۰۱۷	۳۰	۱۳۰			

Source: Transparency International, ۲۰۲۳, Corruption Perception Index

یکی دیگر از پایگاه‌های اطلاعاتی مهم در ارتباط با شاخص‌های مهم حکمرانی، بانک جهانی است. داده‌ها در ارتباط با وضعیت ایران در فاصله‌ی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ در جدول ۲ درج شده است. رتبه و امتیازبندی بانک جهانی در طیف بالاترین یا بهترین ۲/۵+ تا ضعیف‌ترین ۲/۵- فهرست می‌شود. داده‌های بانک جهانی در ارتباط با شاخص‌های حکمرانی خوب همچون کیفیت پایین نهادی و قوانین، کارآمدی، کنترل فساد، کیفیت مقررات، پاسخ‌گویی (و

مشارکت) و ثبات سیاسی با نمره‌های منفی، همگی، نشان‌دهنده‌ی ضعف حکمرانی در ایران است که منجر به دریافت نمره‌ی پایین ادراک فساد؛ یعنی ۲۵ از ۱۰۰، با رتبه‌ی ۱۴۷ جهانی در سال ۲۰۲۲ شده است. داده‌های کمی در مورد حقوق سیاسی و مدنی با نمره‌ی ۶ نیز حاکی از سطح پایین رتبه‌ی ایران است که با ۱؛ یعنی، بدترین وضعیت، فاصله‌ی زیادی دارد.

جدول ۲: شاخص‌های حکمرانی ایران بر اساس داده‌های بانک جهانی

از بهترین تا ضعیف‌ترین +۲/۵ تا -۲/۵	۱۰۰ تا	۱ قوی و ۷ ضعیف	سال	کارآمدی	کنترل فساد	کیفیت مقررات	پاسخگویی مشارکت	ثبات سیاسی	ادراک فساد	حقوق سیاسی	آزادی مدنی
۲۰۱۳	-۰/۸۶	-۰/۶۹	-۱/۴۹	-۱/۶۶	-۱/۲۵	۲۵	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۴	-۰/۳۴	-۰/۶۲	-۱/۴۶	-۱/۵۸	-۰/۸۷	۲۷	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۵	-۰/۲۱	-۰/۶۰	-۱/۳۱	-۱/۵۱	-۰/۹۳	۲۷	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۶	-۰/۱۹	-۰/۷۱	-۱/۲۳	-۱/۳۴	-۰/۸۱	۲۹	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۷	-۰/۲۰	-۰/۸۱	-۱/۲۰	-۱/۳۰	-۰/۹۳	۳۰	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۸	-۰/۴۳	-۰/۹۶	-۱/۳۸	-۱/۳۳	-۱/۳۵	۲۸	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۱۹	-۰/۵۵	-۱/۰۵	-۱/۴۲	-۱/۳۹	-۱/۷۱	۲۶	۶	۶	۶	۶	۶
۲۰۲۰	-۰/۹۹	-۱/۰۹	-۱/۴۶	-۱/۴۸	-۱/۶۷	۲۵	۶	۶	۶	۶	۶

Source: www.worldbank.org (2020)

### ۳.۱. کیفیت پایین نهادمندی و مقررات و نظارت‌های کمتر شفاف و عمدتاً سیاست‌زده

در ایران سازمان‌هایی همچون سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات کشور، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و بخش‌های حراستی و ارزشیابی در ادارات از مهمترین ترتیبات و سازوکارهای نظارتی محسوب می‌شوند. این ترتیبات نهادین در ایفای نقش نظارتی خود در حد مطلوب عمل نکرده‌اند. یکی از نشانه‌های حکمرانی بد، شفافیت کم در قوانین و مقررات اداری پیچیده است؛ این زمینه‌های ساختاری، سبب‌ساز رشوه و دور زدن قوانین سخت‌گیرانه شده‌اند. هاشمی شاهرودی، رئیس وقت قوه‌ی قضائیه، نیز بر این باور بود که نظام اداری بانکی، گمرکی و مالیاتی در کشور به دلیل طولانی بودن و پیچیده بودن سبب دور زدن قانون با رشوه و سازوکارهای غیرقانونی دیگر در روند کسب مجوزها یا وام و اعتبارات در فعالیت‌های اقتصادی و حتی باعث انحراف از سرمایه‌گذاری تولیدی به غیرتولیدی تلقی کرده بودند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۸)

اساساً پرسش یا مسئله‌ی مهم آن است که با وجود این سازوکارهای نظارتی، چرا دامنه‌ی فساد اقتصادی در ایران بالا است؟ نخست، باید گفت که اراده‌ی محکم و کاملاً جدی در این سازوکارها در مبارزه‌ی همیشگی با فساد اقتصادی نیست یا ضعیف است و این نهادها در اجرای قوانین شفافیت از کارنامه‌ی نه چندان رضایت‌بخش برخوردار بوده‌اند. دوم آن که جامعه‌ی مدنی در ایران به‌عنوان مطالبه‌گر مهم برای شفافیت و قانونمندی، خوب عمل نکرده است و گاهی برخی فعالان حزبی و مدنی در فسادهای مالی و رانت‌جویی، درگیر بوده‌اند.

شاید بتوان گفت که نحوه‌ی اجرای خصوصی‌سازی، مهمترین زمینه‌ی گسترش فساد اقتصادی-اداری و محکم مهم برای ترتیبات نهادی نظارتی بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران منتقد بر این باور هستند که به دلیل کارنامه‌ی ضعیف نظارتی، خصوصی‌سازی عمدتاً در شکل و محتوای اختصاصی‌سازی یا کمتر رقابتی رخ داده است که به‌نوبه‌ی خود به شکاف طبقاتی شدید انجامیده است. ایران با داشتن ۱۶ درصد ذخایر گازی و ۱۴ درصد ذخایر نفتی جهان دارای اقتصاد نسبتاً بسته، کمتر مولد و سیستم نسبتاً ناکارآمد و کمتر شفاف مالیاتی است، طبیعتاً کیفیت پایین نهادی و



نظارتی در انحراف این منابع مهم رانتی به سمت تجاری و کمتر تولیدی و فساد در قالب شبکه‌های حمایتی حامی-پیرو بسیار مؤثر بوده‌اند. رشد متوسط ایران در تولید ناخالص داخلی بین ۳ تا ۴ درصد بوده و ۳۷ درصد جمعیت ایران دچار آسیب-پذیری شدید اقتصادی و اجتماعی شده‌اند. (۴۱: ۲۰۱۸, Dadgar & Nazari, بنابراین، ساختار عمومی و نهادی به دلایلی همچون گستردگی و پیچیدگی دست‌وپاگیر اما با نظارت‌پذیری، بازخوردی ضعیف و تمایلات فسادی در برخی مدیران و کارکنان، توجه به اصلاح ساختار عمومی و نهادی با محوریت نظارت‌پذیری را بیش از پیش ضروری ساخته است.

### ۳.۲. بوروکراسی کمتر کارآمد، سیاست‌زده و نامستقل

یکی از شاخص‌های حکمرانی بد، ناکارآمدی یا کژکارکردی حکومت و نظام اداری سیاست‌زده و بدون استقلال است. با یک تأمل آسیب‌شناسانه باید خاطر نشان کرد که نظام اداری در ایران تا حد قابل توجهی از ویژگی‌های مطلوب همچون مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون فاصله داشته است. در چند دهه‌ی اخیر در ایران، سیاست‌زدگی حاکم بر برخی از دستگاه‌ها یا نهادهای نظارتی (به دلایلی همچون تأثیرپذیری از جریان سیاسی حاکم یا شخصیت‌ها و صاحب‌منصبان مهم و تأثیرگذار) به کاهش استقلال و شکل‌گیری حفره‌ها و زمینه‌های مهم برای رانت جویی و فرصت‌طلبان و برخی روابط فاسد حامی-پیرو بین مدیران رده‌ی بالا یا سیاست‌مداران با افراد و گروه‌های فرصت‌طلب و سودجو شده است. از مهمترین پیامدهای این نوع بوروکراسی، فساد نسبتاً نهادینه‌شده در شکل اداری، سیاسی و اقتصادی بوده است. در واقع، مخرج مشترک عمده فسادهای اقتصادی رخ داده در بوروکراسی سیاست‌زده ایران، کسب حمایت سیاسی برای سیاست‌مداران و جریان‌های سیاسی بوده است. (۲: ۲۰۲۰, Azadi) انتصاب‌های سیاسی و رابطه‌محور و زد و بندهای سیاسی و اقتصادی (پورسانتی) بین بوروکرات‌ها و افراد و گروه‌های متنفذ سیاسی-اقتصادی منجر به بسیاری از انحرافات و فسادهای اقتصادی شده است که مصادیق مهم آن عبارتند از: انعقاد قراردادهای و مقاطعه کاری‌های غیرقانونی و نظارت نشده، تخلف‌های کلان و میانی بانکی، تخلف‌ها در شهرداری‌ها، پرش‌ها و فرار مالیاتی، قاچاق کالا در گمرک‌ها و بنادر و دیگر اشکال پول‌شویی در بستر شبکه‌های حمایتی فساد.

یکی از پیامدهای اقتصاد رانتی، بزرگتر شدن بوروکراسی در ایران به‌ویژه در دو دهه‌ی اخیر بوده است؛ این امر در کنار روش‌های تخصصی مخفی کاری و دور زدن قانون سبب گسترش نسبی فساد شده است. رانت‌های اطلاعاتی در بستر عدم شفافیت اطلاعاتی، یکی از ریشه‌های ساختاری فساد در چند دهه‌ی اخیر بوده است. رانت‌های اطلاعاتی مانع از اجرا و نهادینه‌شدن ترتیبات قانونی و نهادین رقابتی مانند مزایده و مناقصه شده است، در نبود اطلاع‌رسانی عمومی قوی، رانت‌جویان به برخی رانت‌ها و امتیازات و مجوزهای اقتصادی و اداری دست یافته‌اند.

یکی از نشانه‌های حکمرانی بد در ایران، نقض‌پذیری‌های مستمر نهادهای اجرایی از جمله بانک مرکزی است. عواملی همچون کسری بودجه و درآمد دولت‌ها، ضعف سیستم مالیاتی و اتکای بالای دولت و اقتصاد رانتی به درآمدهای ارزی و خارجی و تحریم‌های کمرشکن و مستمر نهادینه‌شده سبب نقض مکرر استقلال بانک مرکزی در قالب استقراض‌های مکرر دولت‌ها و عدم پرداخت بدهی‌ها و چاپ بی‌رویه‌ی اسکناس شده‌اند. مهمترین پیامدهای این رویه عبارتند از: عدم ثبات پولی و اختلال در سیاست‌های پولی، افزایش شدید و مستمر تورم در بستر افزایش بسیار بالای حجم نقدینگی و تحریم‌های کمرشکن و به‌طور کلی، نااطمینانی بالا در بازار و اقتصاد جامعه. (قدیمی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۲-۲۴۱) در نهایت، این پیامدهای اقتصادی سبب خروجی بسیار بد در جامعه، یعنی فساد اقتصادی، در میان کارگزاران حکومتی و کنشگران و گروه‌های اقتصادی برای دور زدن قانون، فرار مالیاتی و عدم شفافیت بانکی و مالی شده است. تورم فزاینده‌ی ناشی از حجم بالای نقدینگی و تحریم‌ها سبب افزایش شکاف طبقاتی یا نابرابری (ضریب



جینی) در ایران شده است که به‌نوبه‌ی خود به افزایش تمایلات فساد و رانت‌جویی و دور زدن قانون انجامیده است. در این راستا، نتیجه‌ی تحقیق همایونی‌فر و توتونچی (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که افزایش نابرابری یا ضریب جینی در کشورها و اقتصادهای نفتی با درآمد سرانه‌ی کم منجر به افزایش فساد اداری و اقتصادی، ارتشا و اختلاس شده است. (همایونی‌فر و توتونچی، ۱۳۹۹: ۱۱۹)

### ۳.۳. محدودیت‌های آزادی بیان، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و رانت‌های اطلاعاتی

در نقطه‌ی مقابل شفافیت اطلاعاتی، «رانت اطلاعاتی» قرار دارد که به معنای اجازه‌ی دسترسی به اطلاعات و داده‌های مهم از جمله در زمینه‌های اقتصادی (قراردادها، طرح‌های سود ده، مقاطعه کاری، مزایده و مناقصه‌ها) پیش از اعلان عمومی آن‌ها است. برای جلوگیری از فساد، آزادی دسترسی به اطلاعات، وجود سازمان تخصصی اطلاع‌رسانی برای تمام ارگان‌ها و آزادی بیان و رسانه‌ها بسیار ضروری است تا مانع از انحصار اطلاعات و فساد ناشی از عدم وجود رقبا برای افراد و گروه‌های خاص ویژه‌خوار و رانت‌جو شود. به لحاظ نظری، شفاف‌سازی در سه دسته «حق دسترسی به اطلاعات»، «شفاف‌سازی مشارکتی» و «شفاف‌سازی پاسخ‌گویی و فرایندی» تقسیم‌بندی شده است. (donya-e-eqtesad.com)

یکی از مؤلفه‌های حکمرانی بد در ایران، وجود رانت‌های اطلاعاتی و عدم نقش جدی جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها در نظارت‌پذیر سازی حکومت و کارگزاران حکومتی است. در نبود نظام اطلاع‌رسانی جامع، فراگیر، شفاف و قانونمند و ضعف در دسترسی آزادانه و برابر همه به اطلاعات، امکان تحقق و نهادینه‌شدن نظارت مؤثر بر انواع فسادها، دشوار است. در ایران در تیرماه ۱۳۹۶ «سامانه‌ی انتشار و دسترسی آزادانه به اطلاعات» با هدف دسترسی تمام شهروندان به اطلاعات عمومی به دور از رانت اطلاعاتی شکل گرفت. بیشتر نهادها و سازمان‌های متصل به این سامانه به قوه‌ی مجریه و در رأس آن و موفق‌ترین آن‌ها وزارت کشور مرتبط هستند. جالب آن است که قوه‌ی مقننه به‌عنوان کانون اصلی حاکمیت ملی و نهادی که در کنار تقنین، کارکرد نظارت دارد در این ارتباط عملکرد رضایت‌بخشی نداشته است. (صادقی جقه، ۱۳۹۷: ۱۳-۱۰) رانت اطلاعاتی، بزرگ‌ترین معضل یا چالش اقتصادی ایران و بستر ساز اصلی قانون شکنی و فساد اداری و اقتصادی است و هنوز به‌عنوان جرم تلقی نشده است. در ایران قانون آزادی دسترسی به اطلاعات هم با تأخیر بسیار طولانی تصویب شد و هم در عمل به شکل کند و غیرفراگیر اجرا می‌شود و عمدتاً کارویژه‌ی صوری و تزینی یا زینتی دارد، لذا ما با فرهنگ‌سازی اطلاعات مواجه نیستیم. (-/ilnnews/۶۱۸۸۹۹۲۹)

در دهه‌ی ۱۳۷۰، خصوصی‌سازی آغاز گردید، در اجرای این برنامه، معیارهای شفاف برای اولویت‌بندی شرکت‌های دولتی برای واگذاری به بخش خصوصی اعلام نشدند. برخی شرکت‌ها با بالا نشان دادن سود و بازدهی به شکل غیرواقعی وارد بازار بورس شدند. تعدادی از کارخانه‌ها به بهای بسیار کمتر به برخی اشخاص بانفوذ به‌صورت اقساطی فروخته شدند. (رحیمی، ۱۳۸۴: ۹۴-۹۲) خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصادی در نبود تعهد و بایستگی الزامی دولت به پاسخ‌گویی، قانونمندی منجر به نظارت ضعیف بر توزیع ثروت و امتیازها شد. فضای اقتصادی ناشفاف یا کمتر شفاف و کمتر رقابتی، در عمل، به اختصاصی‌سازی و جابه‌جایی در توزیع رانت‌ها و انباشت بیشتر ثروت برای افراد متنفذ سیاسی و اجتماعی شد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷، ۶۰ درصد واگذاری‌ها در سازمان بورس بین خود شرکت‌های دولتی انجام شد (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۷۴)

یکی از مؤلفه‌های مهم اقتصادهای رانتی، برخورداری از شفافیت مالی پایین است؛ این امر، یکی از چالش‌های مهم بازار سرمایه و سازمان بورس بود. «سازمان بورس» در سال ۱۳۴۶ شکل گرفت و در سال ۱۳۶۸ با آغاز برنامه‌ی تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی، فعالیت‌های خود را از سر گرفت. دو مورد از ویژگی‌های مهم بازار آزاد عبارتند

از: رقابتی بودن و شفافیت اطلاعاتی، این ویژگی‌ها در سازمان بورس تهران به شکل نسبتاً ضعیفی درخشیدند. گاهی برخی از افراد با نفوذ از طریق رانت‌های اطلاعاتی یا دسترسی‌های خاص و حفره‌های اطلاعاتی در سازمان بورس دست به خرید شرکت‌ها با سودآوری بالا زدند و به ثروت‌های کلانی دست یافتند. افراد بدون دسترسی به رانت‌های اطلاعاتی به سمت خرید شرکت‌هایی با سودآوری کمتر رفته و آسیب و زیان دیدند. رانت اطلاعاتی در افت شدید بازار بورس در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ نیز بسیار مؤثر بود. در بستر حفره‌ها یا رانت و بازار سیاه اطلاعاتی، بانک‌ها و برخی شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی اقدام به خرید بسیاری از سهام شرکت‌های مهم در حد کف بازار کردند و سهام را با قیمت بسیار بالا و حبایی به بسیاری از افراد با سرمایه‌های کوچک اما بی‌اطلاع از سقوط قریب‌الوقوع سهام فروختند و آسیب شدید اقتصادی و روحی-روانی به آن‌ها وارد کردند. (-/۱۰۶۸۳۲۵/filnanews) بنابراین، فعالیت تاریک خانه‌ها در بستر اقتصاد پنهان و نیمه پنهان و رانت‌های اطلاعاتی بسیاری از امیدها برای سرمایه‌گذاری مطمئن را ناامید کردند.

### ۳.۴. استمرار اقتصاد رانتی و کمتر رقابتی و تصدی‌گری فزاینده‌ی دولت در اقتصاد

از نیمه‌ی نخست دهه‌ی ۱۳۴۰ به این سو، اقتصاد ایران از نوع رانتی یا تحصیل‌دار بوده است و با وجود برخی تلاش‌ها در خصوص کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، همچنان این ساختار حفظ شده است. پیامد مستقیم آن، تصدی‌گری و دخالت رو به گسترش دولت در اقتصاد و تداوم انحصارها در حوزه‌ی تجارت، تولید و انواع خدمات بوده است. تنها در بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۷ بود که به دلیل افت شدید قیمت نفت میزان منابع رانتی از درآمدهای عمومی دولت به کمتر از ۴۰ درصد کاهش یافت و تنها در این سه سال، اقتصاد ایران عمدتاً مالیاتی شد. با کم شدن شدید درآمدهای نفتی ایران در سال ۱۴۰۰، افزایش درآمدهای مالیاتی در دستور کار دولت و مجلس قرار گرفت که احتمالاً خود زمینه‌ساز فساد اداری و اقتصادی خواهد شد. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ سهم منابع رانتی از درآمدهای عمومی دولت ۵۷/۷ درصد، در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰، ۵۴/۲ درصد و به‌طور کلی از سال ۱۳۸۰ - ۱۳۴۰ برابر با ۵۵/۷ درصد بود. (مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۸) اکنون، درآمدهای نفتی بیش از ۷۰ درصد درآمد ارزی دولت و ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شکل می‌دهد. (Mahmoudi, ۲۰۱۸: ۷۴)

از دهه‌ی دوم انقلاب به این سو، مدیریت کارآمد و نظارت محکم و مستمر بر نحوه‌ی توزیع منابع رانتی در فرایند توسعه صورت نگرفت و بخش مهمی از انتظارات در حد مطلوب تحقق نیافته‌اند. هنوز جامعه‌ی ما نتوانسته است از اقتصاد رانتی و نفتی رهایی یابد. بنابراین، دخالت و تصدی‌گری فزاینده‌ی دولت در اقتصاد، مانع از نهادینه‌تر شدن فضای رقابتی شده و عمدتاً در عمل به فضای شبه رقابتی در بستر رانت اطلاعاتی انجامیده است. از دید هاشمی شاهرودی بخش مهمی از مشکلات اقتصادی ما به ساختارها و نهادها ارتباط دارند و نبود فضای رقابتی سبب انحراف‌ها در اجرای برنامه‌ی خصوصی‌سازی شده است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۴) در نگاه این مقام عالی‌رتبه‌ی پیشین دستگاه قضایی، هر گامی که به سمت خصوصی‌سازی برداشته می‌شد، هم‌زمان بر میزان حجم دولت در بخش دیگری افزوده می‌شد و تصدی‌گری دولتی بیشتر می‌شد. در دهه‌ی ۱۳۹۰، ۷۰ درصد سهام بورس متعلق به بانک‌ها و شرکت‌های دولتی بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۴) و بیش از دو سوم یا ۶۰ درصد از واگذاری‌ها به شرکت‌های دولتی روی داد. بنابراین، دولت بر صنایع عمده و معادن بزرگ، بانکداری و غیره کنترل دارد. (فتاحی، ۱۳۸۵: ۲۵۲) هاشمی شاهرودی به وضوح، وجود برخی از بازیگران شبه دولتی و اقتصاد پنهان را مانع فضای رقابتی واقعی، فساد و خروج سرمایه می‌داند. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۶: ۱۷)

تداوم قابل توجه انحصارات دولتی در عرصه‌ی اقتصادی، زمینه‌ساز برخی فسادهای اقتصادی قابل توجه گردید. به عنوان مثال، ماده‌ی اول «قانون انحصار تجارت خارجی» تصریح می‌کند: «تجارت خارجی ایران در انحصار دولت بوده

و حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود و صدور آنها در حدود مقررات این قانون به دولت واگذار می‌شود.» البته، در ماده‌ی سوم آن آمده است: «دولت مجاز است حق وارد کردن محصولات خارجی را که خود نمی‌خواهد مستقیماً عهده‌دار شود، به شرایط معین و در تحت مقررات مخصوص به اشخاص و یا مؤسسات مختلف تجاری واگذار نماید...» (یوسفیان و غلامی، ۱۳۸۲: ۸۲) گرچه در برخی از تبصره‌ها، زمینه‌های حداقلی برای رقابتی کردن اقتصاد پیش‌بینی شده است، با این وجود تداوم انحصارات و تصدی‌گری فزاینده‌ی دولت و مقررات دست‌وپاگیر عرصه را برای بخش خصوصی تنگ‌تر کرده و انگیزه‌ی آنها برای تبانی فساد و سری با کارگزاران حکومت جهت فرار از قوانین و نظارت راقوی‌تر کرده است. (هادی زنون، ۱۳۸۲: ۱۶۹) در مجموع، انحصارات دولتی زمینه‌ساز برخی منافذ و گریزگاه‌ها برای واردات و صادرات غیرقانونی، سکوی پرش مالیاتی و گمرکی و ثروتمندشدن افراد متنفذ و برخی از مقامات و کارگزاران حکومتی گردید. در این دو دهه، در کنار اقتصاد رسمی نوعی «اقتصاد پنهان یا سایه و غیررسمی» شکل گرفت.

تصدی‌گری دولت بر بانک‌های دولتی همراه با تفاوت نرخ سود اعتبارات بانک‌های دولتی با صندوق‌های خصوصی نیز به مثابه‌ی یک عامل مهم ساختاری تأثیرگذار بر قانون‌گریزی و فساد بانکی در ایران بوده است. تعداد قابل توجهی از افراد با نفوذ از رهگذر زد و بندها و رانت‌جویی سیاسی به اعتبارات بانکی بسیار بالا دست یافتند و بخش مهمی از وام‌ها عمدتاً در بخش تجارت، ساخت‌وساز مسکن و زمین‌خواری هزینه گردیدند و از مقصد تعریف و تعهد شده برای وام منحرف شدند. [تعداد مصادیق فساد بانکی بسیار بالا است و فهرست کردن همه‌ی آنها ضرورتی ندارد.] در دهه‌ی ۱۳۹۰ نیز فسادهای کلانی در سیستم بانکی رخ داده‌اند که پرداختن به مصادیق آنها از حوصله‌ی مقاله خارج است.

یکی دیگر از بسترسازهای ساختاری-نهادی تأثیرگذار بر فساد، چندگانه بودن نرخ ارز از دهه‌ی دوم انقلاب به این سو بوده است. به عنوان مثال، می‌توان به سه شکل ارز در قالب ارزهای دولتی، رقابتی و شناور برای واردات مجاز بخش خصوصی از سال ۱۳۶۸ به بعد و کاهش آن به دو نوع ارز دولتی و شناور در سال ۱۳۷۲ اشاره کرد. در سال ۱۳۹۱ نیز همین سیاست چند نرخ‌ی کردن ارز سبب‌ساز فساد بانکی و اقتصادی قابل توجهی شد؛ در این میان، آفازاده‌ها گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. در تخصیص ارز، سازوکارهای نظارتی ضعیف عمل کردند و برخی از افراد متنفذ و شرکت‌ها سوءاستفاده‌ی زیادی کردند. (Salehi & Taheripour, ۲۰۰۲: ۶۶۸) در سال‌های اخیر نیز، ادامه‌ی این رویه‌ها در قالب ارز نیمایی میز سبب انحرافات اقتصادی و سودجویی مفسدان اقتصادی و اداری شده است.

از زمان روی کار آمدن دولت ترامپ و لغو یک‌جانبه‌ی برجام، تحریم‌های فزاینده‌ی نفتی و غیرنفتی ایران بر فساد قابل توجه اقتصادی و اداری در نیمه‌ی دوم دهه ۱۳۹۰ تأثیرگذار بوده است، مهمترین مصادیق آن عبارتند از: ۱. استفاده از دلالات بین‌المللی ایرانی و غیرایرانی برای فروش نفت و بازنگردانده شدن بخش عمده‌ای از ارز حاصل از آن در بستر تحریم‌های بانکی و نفتی ایران؛ در این ارتباط بابک زنجانی و رضا ضراب تاجر طلا در ترکیه با تابعیت ایرانی-ترک را می‌توان نام برد، ۲. رواج بیش از پیش قاچاق کالاها در روند صادرات و واردات و توسعه یافتن شبکه‌های غیررسمی قاچاق و تجارت غیرقانونی، ۳. استقراض بیشتر دولت از بانک مرکزی و تشدید تورم ناشی از نقدینگی، ۴. توسعه‌ی اقتصاد زیرزمینی و سایه یا پنهان با درگیرشدگی بیشتر ارگان‌های دولتی و غیردولتی با مشارکت افراد و گروه‌های متنفذ و فرصت‌طلب، ۵. پول‌شویی گسترده توسط واسطه‌ها و دلالات به عنوان واسطه در انتقال غیربانکی پول یا در انعقاد قراردادهای مقاطعه کاری با دولت‌های خارجی و ۶. در سطح جامعه، افزایش تورم شدید ناشی از تحریم‌ها به توسعه‌ی شبه فعالیت‌های اقتصادی فساد، قاچاق، احتکار و اختلاس انجامیده است. حذف سوبسیدهای کالاها و

خدمات در سال ۱۳۹۰ با تصویب قانون «هدفمندی یارانه‌ها» نیز سبب افزایش تورم و گسترش فساد در سطح جامعه دامن زده است، افزایش مالیات‌ها هم به نوبه‌ی خود بر فساد و فعالیت‌های غیرقانونی افزوده است.

(Mahmoudi, ۲۰۱۸: ۷۴-۷۳) بر اساس آرای علی قنبری، نماینده‌ی پیشین مجلس، یک‌سوم کالاها توسط اقتصاد سایه یا پنهان به روش غیرقانونی در دوران تشدید تحریم‌های بانکی و نفتی ترامپ علیه ایران انجام می‌شود. (۸۰: Mahmoudi, ۲۰۱۸) همچنین، نتیجه‌ی مطالعه‌ی عزتی و همکارانش نشان داد که کاهش درآمدهای نفتی حاصل از تحریم‌های کنونی در حدود ۲۹ درصد بر فساد اقتصادی در ایران تأثیرگذار بوده‌اند. (عزتی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۵)

#### ۴. پیامدهای سیاسی نهادینگی نسبی فساد اقتصادی به‌ویژه از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰

به این سو انقلاب اسلامی بر محور اسطوره‌ها و اصول مهمی همچون اسلامیت، جمهوریت، عدالت اجتماعی و استقلال روی داد. از دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو، با یک پارادوکس بسیار جدی مواجه بوده‌ایم، از یک سو، شکاف نسبتاً فزاینده‌ای بین وعده‌ها و برنامه‌های اعلامی حکومت و دستگاه‌های تقنینی، نظارتی و بروکراتیک برای شفافیت در عرصه‌های اقتصادی و غیراقتصادی وجود دارد. از سوی دیگر، با آگاهی فزاینده‌ی اقشار تحصیل کرده‌تر جوان و بزرگسال و سرریز این آگاهی سیاسی-اجتماعی به توده‌ها و شهروندان عادی‌تر نسبت به شکاف اعلامی-عملکردی و منابع و مصادر فساد در همه‌ی اشکال به‌ویژه در سطح اقتصادی در تداخل با ابعاد دیگر فساد به مثابه‌ی بسترسازها مواجه هستیم. بنابراین، در بسترهای فکری-نگرشی یاد شده و بحران اقتصادی و کارآمدی تشدید شده از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو، کفایت‌های عینی و ذهنی-عاطفی برای شروع و استمرار اعتراض‌های سیاسی، اجتماعی و صنفی در کنار اعتراض‌های دیگر با تغییر ماهوی و تاکتیکی فراهم شدند و جوی از رادیکالیسم سیاسی نسبی در مواقعی گسترده با تلفیق نارضایتی‌های طبقاتی، صنفی، کارگری، جنسیتی، قومی و مدنی و از همه مهم‌تر با ادغام بدنه‌های اجتماعی و فکری-دانشجویی برخی از نقاط کشور را فراگرفت.

با استناد به مباحث نظری مرتبط با جامعه‌ی مدنی از جمله ضرورت وحدت راهبردی و انسجام در جامعه‌ی مدنی، در اعتراض‌های اخیر نوعی ائتلاف نانوشته همراه با رادیکالیسم سیاسی با دال‌های مشترکی همچون عدالت اجتماعی و توزیعی، شفافیت و فسادستیزی و قانونمندی در کشور شکل گرفت. چنین مطالبه‌ها به‌ویژه با محوریت شفافیت ضد فساد و اقتصادی در مانیفست و شعارهای اعتراضی در سال‌های اخیر مشهود بوده است. شایان ذکر است که اعتراض‌های اجتماعی دی‌ماه ۱۳۹۶ که از شهر مشهد شروع شد با محوریت‌ها و دال‌های مهم یاد شده با مشارکت مال‌باختگان و ناراضیان اجتماعی و اقتصادی و ضد فساد آغاز شد و در اعتراض‌ها در سال‌های بعد (آبان ۱۳۹۸، پاییز ۱۴۰۱ و اعتراضات صنفی مستمر در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳) نیز این محتوا و محورها تا به امروز تکرار شده‌اند. هم‌اکنون، در اعتراض‌های صنفی از سال ۱۴۰۲ تا خرداد ۱۴۰۳ شاهد نوعی تکرار و اشاعه‌ی اعتراضات اجتماعی و صنفی از یک صنف به صنف دیگر هستیم، در همه‌ی این اعتراض‌ها، دال مشترک مطالبه‌گری عدالت و ضدیت با فساد و پایان دادن به بحران و ناکارآمدی اقتصادی و شکاف طبقاتی به‌طور جدی پیگیری می‌شود. اما، نکته‌ی مهم‌تر آن است که پیوستن اقشار فکری (معلمان) به بدنه‌های اجتماعی کارگری و صنفی و به‌ویژه پیوستن دانشجویان عدالت‌خواه به این اقشار، سبب‌ساز پاره‌ای رادیکالیسم سیاسی و بحران آمریت برای نظم سیاسی شده است.

طبیعتاً وجود و استمرار چنین بسترسازهای فکری-نگرشی و احساسی علیه فساد و استمرار شاخص‌های کژکارکردی حکمرانی از یک سو، به بحران مقبولیت یا مشروعیت سیاسی حکومت و بحران اعتماد مدنی به نهادهای مدنی و صنفی انجامیده است که نتوانسته‌اند به مطالبه‌ی جدی شفافیت اقتصادی جامعه‌ی عمل‌پوشانند. بنابراین، شکاف سیاسی و مدنی یاد شده در کنار هویت‌های مدنی و سیاسی-اجتماعی نوظهور در شبکه‌های مجازی یا سایبری به خلق

نوعی «حاکمیت اجتماعی» معترض با مشارکت شبکه‌های فکری و اجتماعی در مقابل نهادهای حکومتی و مدنی سیاست‌زده و بی‌ارتباط با توده‌ها در سال‌های اخیر شده است. در اعتراض‌های اخیر از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو، معترضان «خیابان» را به اصلی‌ترین مکان برای اعمال عاملیت اثرگذار خود و به تعبیر آلن تورن برای «تاریخ‌مندی» جهت پشیمان دادن به فساد و ناکارآمدی اقتصادی و اجتماعی تبدیل کرده‌اند. هم‌اکنون، خیابان به نماد تحقق پاره‌ای از نگرش‌ها و احساسات منفی تر بدنه‌های اجتماعی و فکری از لایه‌های گوناگون برای عدالت و شفافیت و ارتقای کیفیت زندگی به دور از سیاست‌زدگی تبدیل شده است. جالب آن است که در بستر بحران‌های اقتصادی ناشی از فساد، کژکارکردی حکمرانی و نیز تحریم‌ها، طبقه‌ی متوسط رو به افول و دانشجویان ناامید به روزنه‌های استخدامی-شغلی نیز مطالبات اقتصادی-اجتماعی و ضد فساد را بر مطالبه‌گری‌های مدنی خود افزوده‌اند.

سردارنیا و البرزی در یک مطالعه‌ی میدانی، اعتراض‌های صنفی از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو را مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این پژوهش، جامعه آماری، شعارها و مطالبات معترضان در بین مردم عادی از سال ۱۳۹۶ به این سو، به‌ویژه اعتراض‌های دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان‌ماه ۱۳۹۸، بودند. فراخوان شرکت در این اعتراضات که در آغاز با شعار «نه به گرانی» آغاز شد، در شبکه‌های اجتماعی انجام گرفت. این اعتراضات، به تدریج با ماهیتی اقتصادی علیه گرانی، فساد اقتصادی و میزان بالای بیکاری شروع و به ۱۶۰ شهر ایران گسترش یافت. این اعتراضات، در سال ۱۳۹۷ نیز ادامه داشت. اعتصابات سراسری بازاریان، نخست در بازار تهران آغاز و سپس به دیگر شهرهای ایران کشیده شد. کامیون‌داران نیز پس از بازاریان دست به اعتصاب سراسری در صنف خود زدند. در این سال، آموزگاران نیز دست به اعتصاب سراسری با عدم حضور در کلاس درس در شهرهای گوناگون ایران زدند. کارگران هفت‌تپه و فولاد اهورا و البته سایر کارگران در شهرهای مختلف نیز در ماه‌های آغازین همین سال دست به برپایی اعتصاب و اعتراض متوالی زدند. (سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۱: ۱۰۵) این مطالعه، در ارتباط با مطالبات و معترضان، ۶ مقوله یا محور اصلی اقتصادی، سیاسی، اجتماعی-فرهنگی، حقوقی، زیست‌محیطی، انگیزشی را در بر داشت که هر یک از مقوله‌های اصلی دارای یک سری مقوله‌های فرعی یا زیرمقوله هستند که در جدول زیر درج شده‌اند. در این مطالعه، فساد اداری، اقتصادی و سیاسی در بستر بحران‌های اقتصادی یکی از عوامل و انگیزه‌های مهم معترضان از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو بوده است.

جدول شماره ۳: مقوله‌های اصلی و فرعی در مطالبات معترضان

مقوله‌ها	زیر مقوله‌ها	جایگاه مقوله‌ها در مطالبات به درصد
اقتصادی	فقر و مشکلات معیشتی، تضاد طبقاتی، فساد اقتصادی	۳۵/۶
سیاسی	نظام سیاسی موجود، فساد مدیریتی و اداری، ایدئولوژی‌گرایی	۳۲/۱
اجتماعی	تبعیض، قشری‌نگری	۱۲/۳
انگیزشی	حمایت، تهییج	۱۰/۰
زیست‌محیطی	آلودگی هوا، سیل و خشکسالی	۵/۴
حقوقی	حقوق شهروندی، خلاها و مشکلات ناشی از قانون اساسی	۴/۱

(سردارنیا و البرزی، ۱۴۰۱: ۱۲۳)

نگارنده در یک مطالعه‌ی میدانی با تکنیک مصاحبه‌ای، دلایل و انگیزه‌های معترضان را در اعتراض‌ها از نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۹۰ به این سو مطالعه کرده است. جامعه‌ی آماری در این مطالعه را معلمان، دانش‌آموزان و دانشجویان،

کارگران و کامیون‌داران تشکیل داده‌اند. یافته‌ی کلی این مطالعه نشان داد که مطالبه‌ی ضد فساد و ضد تبعیضی به ترتیب به مثابه‌ی یک انگیزه‌ی مهم در شرکت در اعتراض‌ها عمل کرده است: دانشجویان و دانش‌آموزان ۷۸ درصد، معلمان بیش از ۷۲ درصد، کارگران بیش از ۵۸ درصد. (تحقیق و مطالعه پیش از انتشار نگارنده)

## ۵. نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

با یک رویکرد واقع‌بینانه و خاکستری می‌توان به این جمع‌بندی رسید که در ایران آمیزه‌ای از مؤلفه‌های حکمرانی خوب و بد به صورت ترکیبی وجود دارد. لذا، نمی‌توان نوع حکمرانی را در قالب «خوب» یا «بد» در شکل کامل دید. بنابراین، وجود پاره‌ای از مؤلفه‌های حکمرانی بد سبب گردیده‌اند که فساد اقتصادی و اداری در شکل نسبتاً نهادینه شده در کشورمان شکل گرفته و ادامه یابد. در عین حال، آمیزه‌ای از عوامل و دلایل سبب شده‌اند که حکومت و دستگاه قضایی در سال‌های اخیر با جدیت نسبتاً در خور توجهی برای مبارزه با فساد اقدام کند، اما راه دراز و عزم جدی‌تر از گذشته ضروری است. بنابراین، برای جلوگیری از سیستمیک و نهادینه‌تر شدن فساد، چندین راهکار به اجمال پیشنهاد می‌گردد.

در اوضاع و احوال گسترش آگاهی سیاسی-اجتماعی و نارضایتی فزاینده‌ی افکار عمومی ضرورت دارد که حکومت با واقع‌بینی زمان‌شناسانه و انتقادپذیری منطقی، مبارزه و اقدام قاطع ضد فساد و نهادینه‌سازی شفافیت اقتصادی و اطلاعاتی را با جدیت بیشتر دنبال کند تا بر مقبولیت سیاسی حکومت بر مبنای حکمرانی خوب، قانونمندی و کارآمدی بیفزاید. ۲. عملکرد دستگاه‌های نظارتی به صورت جدی و علمی به دور از جریان‌های سیاسی، مورد بازبینی و آسیب‌شناسی جدی قرار گیرد تا ضعف‌ها و چالش‌های عملکردی و حفره‌های اطلاعاتی شناسایی گردند تا از تداوم آن‌ها جلوگیری شود. ۳. استقلال نظام اداری کشور از سیاست و جریان‌های سیاسی ضرور و اهمیت دارد. ۴. تصدی گری دولت در اقتصاد باید به صورت گام به گام همراه با شفافیت بیشتر با دسترسی باز و برابر به نظام اطلاعاتی و بستن حفره‌ها یا منافذ رانت‌ساز اطلاعاتی برای افراد و گروه‌های سودجو کاهش یابد و نظارت‌پذیر و قانونمند گردد. ۵. برقراری تعامل پویا، قانونمند، عادلانه و بازبینی حکومت و جامعه‌ی مدنی و بخش خصوصی و افزایش سعه‌ی صدر حکومت نسبت به کنش‌گران مدنی و بخش خصوصی قانونمند و متعهد به توسعه‌ی کشور بسیار ضرورت دارد. همچنین، ضرورت دارد به سازوکارهای نظارتی جامعه‌ی مدنی در تکمیل سازوکارهای نظارتی رسمی و دولتی نیز توجه بیشتری شود. ۵. برای مبارزه‌ی جدی با فساد اقتصادی ضرورت دارد که نهادهای مدنی نیز به سمت اخلاق مدنی همراه با التزام به مصالح و منافع عمومی و ملی سوق یافته و از انحراف به سمت جامعه‌ی سیاسی قدرت‌بنیاد یا زد و بندهای سیاسی معطوف به انباشت ثروت‌های باد آورده پرهیز کنند تا جایگاه اصولی و مطلوب خود را در امر شفافیت، عدالت و قانونمندی و در نهایت برای حکمرانی خوب و شفاف یا عادلانه ترمیم و بهبود داده و ارتقا دهند.

## منابع

- رحیمی، علیرضا. (۱۳۸۴). «تحلیل طبقاتی سیاست‌های تعدیل اقتصادی در ایران»، فصلنامه اقتصاد سیاسی، سال سوم، شماره ۹.
- خلیل‌اله سردارنیا و هنگامه البرزی. (۱۴۰۱). «تحلیل اعتراضات صنفی- اجتماعی اخیر در ایران از منظر نظریه سیاست خیابان»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، بهار، شماره ۴۰.
- صادقی جقه، سعید. (۱۳۹۷). «شفافیت، نظارت و کارآمدی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۱، شماره ۸۲، زمستان.
- عزتی، مرتضی و دیگران. (۱۳۹۵). «اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت درآمدهای نفتی بر فساد اقتصادی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال ۱۶، شماره ۲، تابستان.

- قدیمی، مریم و دیگران. (۱۳۹۹). «بررسی اثر کیفیت نهادی و عدم سلطه مالی بر سیاست بهینه پولی»، فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصادی، سال ۷، شماره ۳، پاییز.
- مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: مؤسسه تدبیر اقتصاد.
- مومنی، فرشاد. (۱۳۸۶). اقتصاد ایران در دوران تعدیل اقتصادی، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- ۸ مومنی، فرشاد. (۱۳۸۳). «رانت‌جویی و توسعه اقتصادی»، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره ۱۱.
- میرعباسی فاطمه، ساعی احمد و ازغندی علیرضا. (۱۳۹۹). «سندروم فساد و بروکراسی شکننده در جوامع در حال گذار»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۳۴، پاییز.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۶). «زمینه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، مجله حقوقی دادگستری، زمستان، شماره ۶.
- همایونی‌فر، رضا و توتونچی، جلیل. (۱۳۹۹). «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر فساد اداری در کشورهای منتخب تولیدکننده نفت»، پژوهشنامه اقتصاد کلان، دوره ۱۵، شماره ۳۰، پاییز و زمستان.
- Amuddsen, I "Political Corruption" [www.transparency.de/mission](http://www.transparency.de/mission).
- Andving, Jen Christopher. (2004). "The Challenges of Poor Governance and Corruption", The Paper Presented for Copenhagen Consensus 2004 Project.
- Azadi, Pooya. (2020). "The Structure of Corruption in Iran", Stanford Iran Project, August.
- Beblavi, Hazem. (1987). "The Rentier State in Arab World", in Rentier State(eds) by Hazem Beblavi & Giacomo Luciani, London, Croom Helm .
- Broadman, Harry & Recanatiti, Frances. (2002). "Corruption & policy..." policy Reform, Vol. 5 (I).
- Broadman, Harry. (2002). "Corruption & policy..." policy Reform, vol. 5 (I).
- Brooking Institute. (2016). "The Two Problems of Corruption and Poor Governance", <http://www.brooking.edu>.
- Dadgar, Yadollah & Nazari, Rohollah. (2018). "Difficulties of Public Sectors Structure as Main Obstacle for Progress in Iran", OIDA International Journal of Sustainable Development, July, Vol.11, No.1 .
- Edwards, Michael (2004), Civil Society, Cambridge, Polity Press
- Enste, Dominik & Heldman, Christina. (2017). "Causes and Consequences of Corruption", <http://hdl.handle.net/10419/157204>.
- Ezzati, Morteza. (2017). "Effects of the occurred Economic corruption on the Economic Growth in Iran", International Journal of Economics and Financial Issues, Vol.7, No.5.
- Fatile, Jacob O. (2012). "Corruption and the Challenges of Governance in the Nigerian Public Sector", Africa's Public Service Delivery and Performance Review, Vol.1, No.3.
- Hajiyousefi, Amir M. (1995). The Political Economy of Development in a Rentier State: Iran 1962-78, PH.D Thesis in Political sciences, Ottawa, Carleton University, 1995, pp:38-39.
- Hutchcroft, Paul. (1997). "The politics of Privilege ..." Politics Studies, xiv.
- Jain, Arvind (ed). (2002). Political economy of corruption, London, Rutledge.
- Mhmoudi, Azar. (2018). the Proliferation of Corruption in Sanction Regimes: The Case of Iran, M.A Thesis in Law, McMillan University .
- Malambo, Daniel N. (2019). "Corruption and Its Implications for development and Good Governance", Journal of Economics and Behavioral Studies, Vol.11, No.1.
- Reinsberg, Bernhard and et.al. (2020). "Bad Governance: How Privatization Increase Corruption in the Developing World?", Regulation and Governance, Vol.14, No.4.



- Rose Ackerman, Suzan. (1995). "The Political Economy of Corruption Causes & Consequences", World Bank, Note No.4.
- Salehi, Hadi & Taheripour, Farzad. (2002). "Hidden public expenditures in the economy of Iran", International of Middle East Studies, Vol.34.
- Suleiman, Muhammad N. & Aminul Karim, Mohammad. (2015). "Cycle of Bad Governance and Corruption", Sage Open, sgo.sagepub.com.
- Treisman, Daniel. (2000). "The causes of corruption ...." journal of public Economics, vol. 76.
- UNODC. (2021), The Doha Declaration: Promoting a Culture of Lawfulness, www.unodc.org.
- Warren, M. E. (2004). "What does Corruption mean in a democracy?" American Journal of Political Science Review, Vol.48, No.2.
- White, Gordon. (2004). "Civil Society, Democratization & Development..." in Peter Burnell & Peter Calvert (eds), Civil Society in Democratization, USA, Frankcass Publishing.
- World Bank. (2021). "Combating Corruption", <http://www.worldbank.org/en/topic/governance/brief/anti-corruption>.
- [www.transparencyinternational.com](http://www.transparencyinternational.com)

